

عملکرد فقه در اداره حکومت

افشین صفیریانی گیلان^۱: دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عبدالرضا جمال زاده^{۲*}: دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده:

دو مبنای اصلی در قوانین و احکام دین اسلام، مذهب اسلامی و فقه هستند. دانش فقه به عنوان یک رشته علمی، مربوط به تبیین، تفسیر و استنباط احکام و قوانین دین اسلام است. با استفاده از مبانی مذهب اسلامی و فقه امامیه، اصول و قوانینی برای زندگی اسلامی و شرعی تدوین و اجرا می‌شود. همچنین، این مبانی به عنوان مبنایی برای تفسیر و تبیین قوانین و احکام دینی در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق، اخلاق، سیاست، اقتصاد و اجتماعی عمل می‌کنند. عملکرد فقه در اداره حکومت به عنوان یکی از موضوعات مهم در حوزه فقه حکومتی مطرح است، در حقیقت حکومت از طریق فقه و شریعت به عنوان یک شاخه از فقه اسلامی، نقش مهمی در تعیین سیاست‌ها و امور اجتماعی دارد و به منظور اداره حکومت و جامعه بر اساس اصول اسلامی فعالیت می‌کند. دانش فقه از منابع اصلی شریعت اسلامی مانند قرآن و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای استخراج احکام و اصول حکومتی استفاده می‌کند. در حقیقت این دانش به تأسیس نظام حکومتی بر اساس اصول عدل و انصاف، توزیع منصفانه منابع، حفظ حقوق شهروندان و ترویج اخلاق و انسجام اجتماعی تأکید داشته و نقش مهمی در تعیین سیاست‌ها و امور اجتماعی دارد و به منظور اداره حکومت و جامعه بر اساس اصول اسلامی فعالیت می‌کند.

واژگان کلیدی: فقه، حکومت، تمدن، تمدن اسلامی، جامعه مدرن

Keywords :Jurisprudence, government, civilization, Islamic civilization, modern society

چکیده انگلیسی :

The two main bases in the laws and rulings of the Islamic religion are Islamic religion and jurisprudence. Jurisprudence, as a scientific discipline, is related to the explanation, interpretation and inference of the rulings and laws of the Islamic religion. Using the basics of Islamic religion and Imami jurisprudence, principles and rules for Islamic and Sharia life are compiled and implemented. Also, these foundations serve as a basis for interpreting and explaining religious laws and rulings in various fields including law, ethics, politics, economy and social. The function of jurisprudence in the administration of government is considered as one of the important issues in the field of governmental jurisprudence. In fact, governance through jurisprudence and Sharia as a branch of Islamic jurisprudence plays an important role in determining policies and social affairs and in order to administer government and society. It operates based on Islamic principles. Jurisprudence uses the main sources of Islamic law, such as the Qur'an and the Sunnah of the Prophet of Islam (peace and blessings of Allah be upon him) to derive rulings and governmental principles. In fact, this knowledge emphasizes the establishment of a government system based on the principles of justice and fairness, fair distribution of resources, protecting the rights of citizens and promoting social ethics and cohesion, and plays an important role in determining policies and social affairs, and in order to run the government and society based on the principles Islamic works.

مقدمه:

فقه دانشی اسلامی جهت کسب تکالیف دین و احکام عملی آن، کاشف حلال و حرام و اعتبارات الاهی است که حاصلش قضیه هایی است که با کوشش و اجتهاد فقیه از منابع استنباط و مستندهای شرعی استخراج میشود. در حقیقت احکام فقهی از طریق استدلال و تحقیق در منابع چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل به دست می آید. که این منابع در سنت عبارتند از قرآن، سنت، اجماع و قیاس. به عبارتی میتوان گفت که فقه آینه شریعتی جامع، جهانی و جاودان است.

امامیه، عنوان یکی از مذاهب اسلامی که نقشی اساسی در شکل گیری فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کرده است. شیعه امامیه در زبان عامه شیعه و در زبان فقها، فقه امامیه خوانده می شود که به آن مذهب جعفری، یا اثنا عشری نیز میگویند و مذهبی است با ویژگی های مشخص که برپایه اصولی چون توحید و نبوت و معاد (اصول دین)، امامت و عدل (اصول مذهب امامیه)، تکیه کرده است.

با توجه به پیشرفت روز افزون تکنولوژی در تمامی زمینه های علمی، لازم و ضروری است که مسائل دینی و فقهی دائما مورد بررسی قرار بگیرند و مطابق با نیازهای جامعه مدرن به روز رسانی شوند تا جامعه دچار بی دینی نشده و بتواند از همراه و همگام با دنیای پیرامون به جلو حرکت کند و دین و فقه با نیازهای روز و جامعه مدرن منطبق شده تا از زوال و بی دینی جلوگیری شود. لذا هدف اصلی از انجام پژوهش پیش رو پاسخ به این پرسش اصلی است که با توجه به دنیای مدرن امروزی، دانش فقه تا چه حدودی میتواند در اداره حکومت موفق عمل کند؟

پیشینه پژوهش:

هدایت نیا (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان « ظرفیتهای فقه امامیه و به روزرسانی فقه خانواده » به بررسی ظرفیتهای فقه شیعه در رویارویی با مدرنیته و نیاز به نو شدن پرداخته و به تحولات مربوط به محیط و حقوق خانواده و به روزشدگی آن میپردازد. تقی پور (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان « ظرفیتهای فقه امامیه در پذیرش نهادهای جدید حقوق خصوصی، با تأکید بر اعتباریات و عرف » با رویکرد تمدنی به مواجهه حقوق خصوصی اسلامی با حقوق خصوصی غربی پرداخته است. در این مقاله بیان میشود که فقه اسلامی به قواعد عرفی و اعتباری امکان شرعی شدن را اعطا کرده است. یافته های حاصل از این پژوهش بیان میکنند که با استفاده از امکان شرعی شدن میتوان از قواعد حقوقی غیربومی در راستای تمدن سازی اسلامی استفاده کرد.

فقه اسلامی بویژه فقه امامیه، حاوی مسائلی است که اجرای احکام آنها نیازمند به حکومت مقتدر و حاکم معتقد و آگاه نسبت به تعالیم الهی آن است. بر این اساس، باید توجه داشت که میان فقه اسلامی و مسئله دیانت با مسئله حکومت پیوندی ناگسستنی برقرار است. شفیعی (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان « فقه و حکومت » به برخی از تجلیات این پیوند، اشاره کرده است که از آن جمله میتوان به سیری در متون فقهی برای تبیین پیوند فقه و حکومت، سیره و عملکرد رسول خدا در باب حکومت اسلامی و سیره و عملکرد ائمه معصومین و نیز دیدگاه های صاحب نظران فقهی و دینی در باب حکومت و لزوم برپایی آن در جامعه، اشاره کرد. همچنین دارابی و مطلبی (۱۴۰۰) در کتاب تحت عنوان « فقه، سیاست و حکومت » به مقوله فقه در اداره حکومت اشاره کرده و تاثیر آن در مسایل سیاسی را مورد بررسی قرار میدهد. گستره فقه شیعی و دامنه ارتباط آن با حکومت، از مسائلی است که پرداختن بدان، بسیاری از شبهات را حل نموده و چشم انداز فقه شیعی را ترسیم می نماید. در واقع، نسبت بین فقه شیعی و حکومت را باید از درون موضوعات و مسائل فقه درک نمود. مشکانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ای تحت عنوان « مناسبات فقه و حکومت»، بیان

میدارد که با رصد مسائل علم فقه و عناوینی که در این علم، مورد کنکاش قرار می‌گیرد، می‌توان به ارتباط آن با حکومت پی برد؛ زیرا دسته‌ای از مسائل علم فقه به صورت کامل برای اجرایی شدن، نیاز به حکومت دارند، اجرای بخشی از دسته دیگر نیز بحث حکومت را پیش می‌کشد و بخش سوم نیز، اموری فردی هستند که در حسن اجرای آنها و نیز با توجه به تاکیدات درون‌دینی، نیاز به حکومت را مسجل می‌نماید. در مقاله پیش رو اثبات خواهد شد که هرگز نمی‌توان فقه را از سیاست جدا دانست. و قهراً باید گفت که: دیانت ما عین سیاست ماست و دین و حکومت خدایسند دو روی یک سکه اند.

۱- دانش فقه:

فقه در حقیقت درک کردن، فهمیدن و استنباط احکام شرع در دین است. فقیهان و سلان پژوهان بیان میدارند که در شریعت اسلام، هر قانون الهی در واقع « حکم » است و هر حکم وظیفه‌ای را که خداوند از بندگانش انتظار دارد را مشخص میکند و دانش فقه در حقیقت علمی است که از طریق آن این احکام الهی مشخص و اثبات میشوند (مطهری، ۱۳۷۴ : ۲۶).

بطور کلی فقه مفهومی است که در حقوق اسلامی به کار می‌رود، به معنای تحصیل و تألیف قواعد و ضوابط شرعی است که بر طبق آنها احکام دینی و شرعی به شریعت و حکم اسلامی شناسایی و تفسیر می‌شوند. فقه به وسیله مجموعه اصول و مقرراتی که از منابع شرعی، از جمله قرآن و سنت به دست می‌آید، احکام شرعی را استخراج و تفسیر می‌کند.

فقه به عنوان یکی از دو علم پایه علوم اسلامی (اصول و فروع دین) مطرح می‌شود و دارای مفاهیم و اصول خاص خود است. اهمیت فقه در جامعه اسلامی به دلیل ابعاد عملی دینی و شرعی آن است که به افراد کمک می‌کند تا در زندگی روزمره‌شان از دستورات دینی پیروی کنند و احکام شرعی را به درستی اجرا کنند.

فقه در اسلام نقش بسیار مهمی در تعیین و اجرای احکام دینی دارد، و برای هر مسلمان اهمیت دارد که با اصول و ضوابط فقهی آشنا شود تا بتواند به درستی احکام شرعی را اجرا کند و زندگی مذهبی خود را به درستی بسازد.

۱-۱- فقه کشف

در این اندیشه مجتهد به دنبال کشف شریعت است و هر گونه دشواری را بر خود هموار میکند تا بتواند به شریعت برسد، نمونه ای از این کوشش را میتوان در روش اجتهادی تراکم ظنون و اطمینان دریافت، در این روش هر گاه مجتهد با سندی یقین آور یا در حکم یقین، روبه رو نباشد بلکه با دستهای از ظنون روبه‌رو باشد، از پای نماند و به منظور کشف شریعت، به کنار هم گذاشتن ظنون مشغول میشود به آن امید که در نظام حلقوی یا هرمی از این ظنون به قانون خداوند متعال اطمینان حاصل کند؛ زیرا وی خود را موظف به کشف شریعت میداند.

۱-۲- فقه عذر

در این اندیشه، مجتهد در پی کشف وظیفه ای است که در صورت عمل به آن از عقاب خداوند متعال در امان بوده و سخنی مورد پذیرش وی داشته باشد. در این روش اگر به طور یقینی یا گمان خاص یا اطمینانی به حکم شارع رسید آن را مورد تمسک قرار میدهد و گرنه برای به دست آوردن اطمینان خود را به آب و آتش نمیزند و نمیکوشد که از تراکم ظنون به اطمینان برسد؛ زیرا به پدیداری عدد (اطمینان) از کنار هم آمدن صفرها (ظنون)، باوری ندارد.

اگر فقه بخواهد به رسالت خود عمل کند و با پاسخگویی به مسائل نوپیدا، پویایی و ظرفیت خود را نشان دهد، راه فقه کشف را باید پیش بگیرد نه راه فقه عذر.

هر چند اصول عملیه در اصول فقه شیعه با ساختاری منطقی و حساب شده، حضور جدی دارد و شک و حیرت را در بسیاری از موارد از بین میبرد اما کاربست آن در فقه کشف، کمتر از فقه عذر است. در مکتبهای

گوناگون اصولی در طول تاریخ با وجود اختلاف در بسیاری شیوه ها، به طور کلی قلمرو کاربرد اصول عملیه محدود بوده و فقط در اصول متأخر امامی، گسترشی بیسابقه یافته است.

ویژگی پایانی پاسخ کارآمد عبارت از این بود که به نظام سازی بینجامد بیان مطلب اینکه در مسئله «گستره شریعت» در مجموع، چهار اندیشه وجود دارد: اندیشه شمول، انزال، ابهام و اعتدال. اندیشه نخست بر این است که هر حرکت و سکونی در شریعت جهانی و جاودان - شریعت اسلام - حکم است. نقطه برابر این نظریه، گرایش به انزال و بیطرفی مطلق قانونگذار اسلام درباره شئون دنیایی انسانها است. اندیشه ابهام بر این است که اصولی کلان و عام به وسیله شارع بیان شده، بدون اینکه دخالتی از وی در امور خرد و ساختارها صورت گرفته باشد. در این میان، اندیشه ای که راهی میانه را میپیماید و به وجود حکم در هر واقعه باور ندارد اما اندیشه انزال و ابهام را نیز غیرکافی و ناموفق میبیند، اندیشه اعتدال است. در دیدگاه اعتدال، وجود منطقه ای فارغ از جعل مورد تردید قرار گرفته و تقسیم احکام به عقلی و شرعی رد و بر تقسیم احکام شرعی به عقلی و نقلی پافشاری شده است (علیدوست، ۱۳۸۳ : ۱۹۹).

اندیشه اعتدال (همان، ۱۳۸۵ : ۳۳۳) نزدیک به اندیشه شمول، گستره شریعت را بر بیشتر شئون بشری واسع میداند، در این نگاه واسع به شریعت، نظاممندی و هماهنگی چنانکه از لوازم ضرور شریعت جامع، جهانی و جاودان میباشد، از لوازم نظام استنباط است؛ بنابراین نگاهی که تمام مسائل را به صورت فردی بررسی میکند، نمیتواند ظرفیت های فقه را نسبت به مسائل نوپیدا به خوبی تبیین کند؛ زیرا در دید نظام وار و نظام مند است که هماهنگی ابواب فقه، آینه واضحی برای نشان شریعت است.

۱-۳- فقه در آیات و روایات

کلمه فقه و مشتقات آن در قرآن کریم کم و بیش تکرار شده است که در ادامه به نمونه هایی از آیات قرآن کریم با توجه به معانی مختلف واژه «فقه» اشاره میشود :

• فقه به معنای فهم چیزهای دقیق یا مخفی: «وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛» (اسراء/سوره ۱۷، آیه ۴۴) به این معنی که «و هیچ چیز نیست مگر آنکه شاکرانه او را تسبیح می گوید ولی شما تسبیح آنان را در نمی یابید.»

• فقه به معنای مطلق فهم و درک: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ؛» (هود/سوره ۱۱، آیه ۹۱). به این معنی که «گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه می گویی در نمی یابیم.»

• فقه به معنای بصیرت در دین: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ؛» (توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲). به این معنی «چرا از هر فرقه ای از آنان گروهی رهسپار نشوند که دین پژوهی کنند.»

• فقه به معنای تدبیر، تعمق و فهم عمیق در آیات زیر بکار رفته است: (منافقون/سوره ۶۳، آیه ۳-۷)، (انعام/سوره ۶، آیه ۶۵ و آیه ۹۸)، (اسراء/سوره ۱۷، آیه ۴۴ و ۴۶).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در رابطه با «فقه» می فرماید: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ فِقْهِ فِي دِينِهِ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۱۳)، یعنی «خداوند به چیزی برتر از بصیرت یافتن در دین او عبادت و پرستش نشده است.»

امام صادق (صلوات الله علیه) در رابطه با معنای فقه چنین می فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ» (کلینی، بیتا، ج ۱: ۳۲)، به این معنی که «هرگاه خداوند خیر و سعادت بنده ای را بخواهد او را در دین، بصیر و آگاه می گرداند.»

بنابراین، «فقه» در لسان قرآن کریم و روایات اسلامی، مفهومی گسترده دارد و عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستورهای اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد.

مفهوم و معنای تمدن عرصه های برای تضارب آراء اندیشمندان علوم انسانی بوده است که هر اندیشمندی در خصوص آن اظهار نظر کرده و معنایی را برای آن برگزیده است. برخی از اندیشمندان تمدن را مرادف با فرهنگ دانسته اند با این تفاوت که مفهوم تمدن سابقه تاریخی و گذشته دورتری را نسبت به مفهوم فرهنگ القا میکند (لوکاس، ۱۳۸۷: ۲۰)، اما برخی دیگر قائل به تباین معنایی بین فرهنگ و تمدن هستند (آشوری، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۶). در واقع باید قائل به تفاوت مفهومی فرهنگ و تمدن شد. برخی تمدن را نشأت گرفته از فهم اجتماعی نسبت به سابقه تاریخی دانسته اند (فروید، ۱۳۸۳: ۸) و برخی دیگر تمدن را مجموعه پاسخ های عاقلانه به چالش ها و نیازهای محیطی یک جامعه نسبت به جوامع دیگر و مسائل ناشی از مشکلات اداره درونی جامعه در بستر تاریخ معرفی کرده اند (صدری، ۱۳۸۰: ۲۸).

به نظر میرسد که نظر اخیر بهترین تعریف ارائه شده از تمدن باشد. با توجه به این تعریف، باید گفت که وظیفه و هدف یک تمدن حفاظت و صیانت از نظام تمدنی مستقر از طریق رفع تناقضات درونی جامعه و همچنین پاسخ به چالش های جدید ناشی از تعامل این پیش فرضها و صور نهادینه شده تمدنها و نیز هماهنگ کردن منابع تمدنی برای جوابگویی به چالشها و مشکلات جهان خارج از آن جامعه است (صدری، ۱۳۸۰: ۲۹). با توجه به نکات فوق تمدن نوین اسلامی باید تمامی تعارضات و نیازهای درونی و بیرونی خود را رفع کرده و به آنها پاسخ مطلوب و متناسب با مبانی ارائه دهد تا جامعه اسلامی به مرحله های از تمدن دست پیدا کند که از جمله این نیازها احتیاجاتی هستند که در مواجهه با تمدن غربی برای جامعه اسلامی ایجاد شده است. در این میان قواعد حقوقی به عنوان یکی از مهمترین قواعد و عناصر اجتماعی باید پیشرفت تمدنی جامعه اسلامی را تامین و تضمین کند و ملت را به سوی کمال و تعالی هدایت کند (حیاتی، ۱۳۸۶: ۲۵). که قواعد حقوق خصوصی به علت جایگاه ویژه در سبک زندگی و فرهنگ مسلمین حائز اهمیت هستند.

تمدن به مجموعه‌ای از دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی، علمی، هنری و فنی یک جامعه گفته می‌شود که نمایانگر پیشرفت و توسعه آن جامعه است. تمدن شامل مفاهیمی چون تشکیلات اجتماعی، زبان و ادبیات، هنر و معماری، دین و فلسفه، علم و فناوری، سیاست و حقوق، اخلاق و رفتار، تجارت و اقتصاد، و سایر جنبه‌های فرهنگی و انسانی جامعه می‌شود.

تمدن نشان‌دهنده سطح توسعه و پیشرفت یک جامعه و ملت است و در بیشتر موارد با بهره‌وری از دانش، فناوری و منابع طبیعی، ایجاد فرهنگ و ارزش‌های مشترک، توسعه ساختارهای اجتماعی و سیاسی به وجود می‌آید. تاریخ‌های تمدن‌شناسی به مطالعه فرهنگ، هنر، علم و فناوری، ساختار اجتماعی و سیاسی، و اعتقادات و ارزش‌ها در جوامع گذشته و حال پرداخته و نقش تمدن در تحول و پیشرفت انسان را بررسی می‌کند. در کل، تمدن نشانگر مرحله تکامل و رشد یک جامعه است که شاخصه‌های مختلفی از پیشرفت انسانی و فرهنگی در آن مشاهده می‌شود.

۲-۱- تمدن اسلامی

آغاز این تمدن را می‌توان شروع دعوت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دانست تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که بسیاری از مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوندها، پرمایه، از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد؛ زیرا آغاز و انجامش تقریباً مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان‌شمولی دین اسلام را — به عنوان دینی الهی — در خود دارد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی دارای همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و... است (جان احمدی، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۲).

تمدن اسلامی به مجموعه فرهنگی، اجتماعی، علمی و هنری اشاره دارد که توسط جوامعی که به اسلام اعتقاد دارند شکل گرفته است. تمدن اسلامی شامل اصول، ارزش‌ها، اخلاقیات، هنر، علوم، فلسفه و سایر

جنبه‌های فرهنگی و انسانی مرتبط با اسلام می‌شود. تمدن اسلامی بر پایه اصولی مانند توحید (وحدانیت خدا)، عدالت، مهربانی، تعهد به اخلاق و اخلاقیات، شفقت و بخشش، دانش و آموزش، توسعه فرهنگ و هنر، و حمایت از عدالت اجتماعی و حقوق بشر می‌افکند. در تمدن اسلامی، علم و دانش به عنوان رشته‌های مهمی مورد تأکید قرار می‌گیرند و ترویج دانش، تحقیق و پیشرفت در زمینه‌های علمی و فنی مورد توجه است. همچنین، هنر و معماری اسلامی نیز با ویژگی‌ها و الگوهای خاص خود، یکی از مؤلفه‌های مهم تمدن اسلامی محسوب می‌شوند. به طور کلی، تمدن اسلامی به عنوان یکی از تمدن‌های معتبر و پراهمیت دنیا، از تأثیر و تاریخ بزرگی بر فرهنگ و تمدن جهان برخوردار است.

قرآن افزون بر نظام ویژه‌ای که برای تمدن اسلامی ارائه می‌کند به گونه‌ای ملموس در جنبه‌های مختلف دوره‌های تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان اثرگذار بوده است. البته بیان این نکته لازم است که میان جامعه مطلوب قرآنی با جامعه تاریخی اسلامی همواره تفاوت‌هایی بوده و همه اصول بیان شده در کلام وحی در جوامع مسلمانان به اجرا درنیامده است (نصر، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

۲-۲-جامعه مدرن

جامعه مدرن به عنوان یک نیروی یکپارچه و در عین حال مجموعه‌ای متفرقه از افراد توصیف می‌شود. این مفهوم به جامعه‌ای اشاره دارد که دارای فرهنگ توده‌ای و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در مقیاس بزرگ است که زندگی روزمره اکثریت مردم را تشکیل می‌دهد. جامعه مدرن با ظهور رسانه‌های جمعی و اینترنت اهمیت و دامنه وسیع‌تری پیدا کرده است. این نوع جامعه معمولاً به کشورهای توسعه‌یافته اشاره دارد که دارای فرهنگ توده‌ای و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در مقیاس بزرگ هستند که زندگی روزمره اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند. این مفهوم به جامعه‌ای اشاره دارد که با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی و فناوری، از جوامع سنتی و تقلیدی به جوامع پویا و پیشرفته تبدیل شده است.

جامعه مدرن به جوامعی اشاره دارد که معمولاً بر اساس اصول و ارزش‌های مدرنیته شکل گرفته‌اند. این اصول شامل دموکراسی، حقوق بشر، برابری جنسیتی، توسعه فرهنگی و اجتماعی، پذیرش تنوع فرهنگی و مذهبی، و توجه به محیط زیست و پایداری اقتصادی می‌شود. جوامع مدرن معمولاً به دنبال پیشرفت و توسعه در سطح فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هستند و تلاش می‌کنند تا با تغییرات جهانی سازگار شوند. این جوامع از فناوری و نوآوری بهره می‌برند و به ترویج عدالت اجتماعی و حقوق بشر می‌پردازند. هرچند جوامع مدرن با چالش‌ها و مشکلات خود روبه‌رو هستند، اما تلاش برای ایجاد یک جامعه پویا، پایدار و پیشرفته ادامه دارد. به عنوان یکی از عناصر اساسی تحولات جهانی، جوامع مدرن با توجه به اصول و ارزش‌های قوی که بر آنها تأکید دارند، نقش مهمی در شکل‌دهی به آینده جوامع و جهان ایفا می‌کنند.

۳- مواجهه تمدن اسلامی با جوامع مدرن

مواجهه جوامع مدرن با تمدن اسلامی یک موضوع پیچیده است که می‌تواند در حالت‌های مختلفی رخ دهد. این مواجهه می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند فرهنگ، اقتصاد، سیاست و ارزش‌ها رخ دهد. در هر صورت، مواجهه جوامع مدرن با تمدن اسلامی می‌تواند به وسیله دیالوگ متقابل و درک اصول و ارزش‌های هر دو جانب بهبود یابد. احترام به تفاوت‌ها، ترویج تعامل، و تلاش برای ایجاد فضایی که هر دو جامعه به کنار هم زندگی کنند می‌تواند به تسهیل مواجهه مثبت بین این دو تمدن کمک کند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۱۹).

از جوانبی که تمدن اسلامی می‌تواند بر جامعه‌ها تأثیر مثبت گذاشته و آن‌ها را به سوی پیشرفت هدایت کند، می‌توان به مسائل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. اسلام از اصولی مانند عدالت، امانت‌داری، محبت و همدلی، تعهد به کمک به نیازمندان و فقیران، احترام به حقوق بشر و حفظ محیط زیست تأکید دارد که همگی می‌توانند به توسعه و پیشرفت جوامع اسلامی کمک کنند. تمدن اسلامی به عنوان یک تمدن گسترده و با اصول و ارزش‌های دینی قوی، می‌تواند به توسعه علم و فناوری، آموزش و

پژوهش، صنعت و بازرگانی، اقتصاد و سیاست‌گذاری منطقه‌ای و جهانی کمک کند. با رعایت اصول اسلامی و استفاده از تجربیات تمدن اسلامی، می‌توان یک جامعه پیشرفته و پویا در پیش گرفت که بر پایه عدالت، توازن و توسعه پایدار بنا شده باشد. بنابراین، تمدن اسلامی می‌تواند به عنوان یک مبنای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، جامعه‌ها را به سوی پیشرفت و توسعه هدایت کند، زمانی که اصول و ارزش‌های اسلامی به عنوان راهنمایی برای زندگی فردی و اجتماعی مردم در نظر گرفته شود.

۴- فقه و اداره حکومت

دانش فقه توانایی و قابلیت‌هایی را دار می‌باشد که از طریق آنها قادر به پاسخگویی به نیازها و مسائل شرعی در جامعه مطابق با پیشرفت تمدن و تکنولوژی است، همچنین قادر است احکام شرعی با شرایط واقعی موجود در جامعه تطبیق دهد. استنباط احکام از منابع اسلامی و استدلال برای حل مسائل شرعی یکی از ظرفیت‌های اصلی و اساسی فقه امامیه است، که توانایی ارائه استدلال‌های منطقی و فقهی را به فقها و اندیشمندان فقه امامیه می‌دهد. فقیهان، دانش گسترده‌ای درباره احکام شرعی، اصول و مبانی فقهی، تفسیر قرآن و سنت، تاریخ اسلام و سایر زمینه‌های مرتبط با دین اسلام دارا می‌باشند، همچنین توانایی تشخیص تفاوت‌هایی که در مسائل شرعی وجود دارد را دارا هستند و می‌توانند بر اساس شروع پیروی از مراجع تقلید، به تفسیر و تبیین احکام در مواقع مختلف پردازند. اندیشمندان دانش فقه توانایی تحلیل و بررسی مسائل شرعی را دارا هستند و می‌توانند مشکلات و نیازهای جامعه را در تبیین احکام در نظر بگیرند. آنها بر تکریم و حفظ حقوق انسانی و اعمال عدالت در احکام شرعی تاکید دارند و تلاش می‌کنند تا در تأمین حقوق و عدالت در جامعه نقشی فعال داشته باشند. همچنین توانایی همکاری و تعامل موثر با دانشمندان و اساتید دیگر حوزه‌های علمی را دارا هستند و می‌توانند در ترکیب دانش‌های مختلف به حل مسائل روزمره جامعه کمک کنند.

منابع استخراج احکام شریعت، مطابق مذهب شیعه امامیه به چهار اصل (کتاب، سنت، اجماع و عقل) منحصر بوده و لکن بیشتر احکام دینی در کتاب و سنت که به منزله قانون اساسی و آئین‌نامه اجرایی آن می‌باشد به طور مستقیم و غیرمستقیم بیان شده است.

مراجع و فقیهان شیعه که توانایی استخراج احکام از مدارک نامبرده را دارند به منظور تعیین و رفع مسئولیت از خود و دیگران بدان اشتغال می‌ورزند و در این باب کوشش می‌نمایند که از این عمل در عرف متشرعه اجتهاد و در اصطلاح قرآنی به تفقه تعبیر می‌شود و لزوم آن هم تأکید شده است (طباطبایی، بیتا، ۲۶).

یکی از توانایی‌های فقه که بر اساس آن میتوان احکام شرعی را با شرایط موجود در جوامع تطبیق دارد، عقل است. اندیشمندان علم معرفت عقل را از منابع شناخت می‌دانند و بر این عقیده اند که با استفاده از آن میتوان مفاهیم کلی را درک کرد (حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۸). از جمله کاربردهای عقل در استنباط مسائل فقهی میتوان به منبع حکم شرعی در کنار کتاب و سنت، اثبات اعتبار متون دینی و کمک به استنباط حکم شرعی از کتاب و سنت، اشاره کرد (ضیائی‌فر، ۱۳۸۲: ۲۳۰-۲۳۴). بطور کلی میتوان گفت گاهی عقل بصورت مستقل حکمی شرعی را ارائه میدهد و در مواردی بعنوان ابزاری جهت اثبات یک حکم شرعی بکار میرود. همچنین عقل میتواند بعنوان ابزاری برای کشف و ایتنباط احکام از کتاب و سنت در نظر گرفت. بنابراین میتوان گفت که دانش فقه با دارا بودن منابع ارطشمندی همچون کتاب و سنت و ابزرای همچون عقل میتواند احکام شرعی برای اداره جامعه را مطابق با نیاز آن جامعه ارائه دهد.

دانش فقه دارای اسناد معتبر شرعی است که صلاحیت برای استنباط قانونی عام از آن وجود دارد و به آنها نصوص عام گفته میشود. با وجود اینکه این اسناد بحثی جامع و مستقل درباره احکام مربوط به قراردادها ندارند اما صلاحیت لازم جهت استنباط احکام را دارا میباشند (حرّ عاملی، ۱۳۹۸: ۴۰-۴۱). به طور نمونه، اسنادی عام از قرآن کریم و روایتها از سوی فقیهان در استنباط احکام قراردادها به کار گرفته شده است اما بحثی مستقل و جامع از آنها به عمل نیامده است. مثلا در ایه ۱ سوره مائد بصورتی ضمنی به انجام معاملات

اشاره شده است و این آیه مضمونی مرتبط با معامله ها دارد اما اختصاص به موردی خاص ندارد. این قبیل موارد در متون فقهی حضوری چشمگیر دارد، بدون اینکه بحث جامعی درباره آن صورت گرفته باشد. لذا فقها و اندیشمندان علم فقه در کتب مربوط به آیات الاحکام و قواعد فقهیه، همچنین در کتابهای فقهی خود بر این دسته از اسناد و ادله تاکید بسیاری کرده و در همواره در تلاش برای استخراج قاعده و قوانین از آنها هستند تا بتوانند خود را با جامعه و وقایع درون آن در طول تاریخ (زمان و مکان) وفق داده و بتوانند در عین دینداری عدالت و دموکراسی را در جامعه پیاده سازند.

زمان و مکان دو مفهوم انتزاعی هستند که در معانی مختلف درارای ارتباطی تنگاتنگ با متون فقهی هستند. توجه به اقتضائات زمان و مکان کم و بیش در میان فقیهان گذشته و معاصر وجود داشته است. اما پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که نگرش فقیهانه در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی و حکومتی و حتی در حوزه فردی، بیشتر مورد اهتمام فقها و به ویژه امام خمینی قرار گرفت، توجه افزون‌تر به عنصر زمان و مکان در امر افتا ضرورتی بیش‌تر یافت و این جا یکی از نقاطی است که (اجتهاد پویا) از (اجتهاد ایستا) تمایز پیدا می‌کند. به موارد متعددی از مفهوم زمان و مکان میتوان اشاره کرد که در موضوعات و مسائل فقهی و اجتماعی نمود پیدا میکند، از قبیل زمان و مکان وقایع اجتماعی (گروههای سیاسی و مذهبی در زمان)، مقتضیات زمان و مکان، وقایع اجتماعی، تحولات طبیعت و تاریخ و ... که در رابطه با هر کدام از مفاهیم، استفاده از احکام شریعت و بکارگیری دانش فقه در فهم و استنباط آنها میتواند به عملکرد بهتر حکومت منجر شود. بطور کلی میتوان گفت تحولات اجتماعی و فردی که ناشی از اراده انسانها و تحت تاثیر علوم بشری و فهم انسانی است، در هر زمانی تغییر می‌کند و گاهی به صورت فرهنگ و عادات مردم جلوه می‌کند. این معنا از مکان و زمان در تغییر موضوعات فقهی اثر غیر قابل انکاری دارد؛ برای مثال، تلقی مردم در صدر اسلام در مورد شطرنج، به عنوان وسیله ای برای تقویت فکر است و این مطلب موجب تغییر متعلق حکم و در نتیجه تغییر حکم می‌شود.

دانش فقه نگاهی نگاه نظاموار و نظاممند به شریعت دارد به این معنا که به ساختمان کلی شریعت یک نگاه کلی دارد و نه نگاهی جزئی، که این امر سبب میشود برخی حلقه های مفقوده در شریعت یافت شده و آنها را پوشش دهد و در نهایت بتواند تطابقی هرچه تمامتر میان فقه و حکومت داری ایجاد نماید. به طوریکه بعنوان مثال میتوان گفت که برخی از صاحب نظران مانند شهید صدر به دنبال کشف نظام همگن بوده اند، وی بر آن است که اسلام، مذهب اقتصادی دارد و میتوان به آن دست یافت (صدر، ۱۴۰۱ق: ۱۳۸).

گاهی اوقات در زمان تعیین احکام شرعی، شک به وجود میآید که در این زمینه نیز فقه با اصول و ضوابطی که به آنها اصول عملیه اطلاق میشود، تکلیف مکلفان را روشن میسازد که در این رابطه ملجأ نهایی مجتهدی است که بر دلیل و طریقی دست نیافته است.

نتیجه گیری

دانش فقه در طول تاریخ کهن خویش در سایه سار آموزه های وحی و سخنان پیامبران و اوصیا به چارچوبها و ضرورت هایی رسیده است که در مجموع هنجارهای اجتهاد را رقم میزند، هرگونه پاسخگویی و تحول باید مطابق هنجارهای ضرور اجتهاد صورت گیرد و گرنه با بی مهری به میراث گذشتگان و گنج رنج هزاران فقیه نمیتوان به فقهی پاسخگو دست یافت.

فقه یک دیدگاه حقوقی و دینی در اسلام است که بین بر اصول و مبانی تعیین شده توسط امامان شیعه، به ویژه امام جعفر صادق علیه السلام، تأکید دارد. این دیدگاه حقوقی و حکومتی در قرون و سالهای بعد، به عنوان یک راهبرد برای اداره حکومت و تشکیل سیستم های حقوقی و قضایی مورد توجه قرار گرفته است. فقه در اداره حکومت تأکید دارد که حاکمین و مدیران باید با توجه به اصول اسلامی و شریعت، به مدیریت کشور و حکومت بپردازند. اصول امامیه نظر به عدالت، امانت داری، تواضع و توجه به رفاه عمومی مردم است. بنابراین، مدیران باید به مسائل اخلاقی و دینی توجه کنند و سعی کنند تا در انجام وظایف خود از این اصول پیروی کنند.

عملکرد فقهی در اداره حکومت شامل زمینه‌های مختلفی مانند قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها می‌شود. از آنجا که فقه امامیه بر اصول اسلامی تأکید دارد، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های حکومتی و اجرای آن‌ها نقش مهمی ایفا کند تا امور جامعه با عدالت و بر اساس اصول دینی مدیریت شود. به طور کلی، عملکرد فقه در اداره حکومت به منظور ایجاد یک سیستم حکومتی عادلانه، مبتنی بر اصول اسلامی و توجه به رفاه عمومی مردم است. این نگرش حقوقی و حکومتی می‌تواند به حفظ و تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه کمک کند و به بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم منجر شود.

با توجه به کلیه مطالب بیان شده میتوان نتیجه گرفت که تمدن اسلامی می‌تواند یک جامعه پیشرفته و مدرن را اداره کند. اسلام به عنوان یک دین شامل رویکردها و اصولی است که در همه زمینه‌های زندگی انسان تأثیرگذار است و قابلیت ایجاد یک جوامع پیشرفته را دارد. و فقه دانشی است که در این راه بسیار کمک کننده است.

منابع

قرآن کریم

آشوری، داریوش، ۱۳۷۸، دانشنامه سیاسی: فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مروارید.

جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۶، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چ اول، قم: نشر معارف.

حرّ عاملی، محمدبن حسن، ۱۳۹۸، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه؛ تهران: انتشارات اسلامی.

دارابی، علی؛ مطلبی، مسعود، ۱۴۰۰، فقه سیاست و حکومت، ویراستار حامد دارابی، تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران.

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۵، اقتصادنا، چ اول، قم: انتشارات اعلام اسلامی.

صدر، محمد باقر، ۱۴۰۱، المدرسه الاسلامیه؛ چ اول، تهران: انتشارات مدرسه اعتماد الکاظمی.

طباطبائی، محمد حسین و دیگران، ۱۳۹۷، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: موسسه انتشارات صدرا.

علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، فقه و عرف، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، فقه و مصلحت، چ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، اصول کافی، مترجم: عباس به نژاد، چ اول، تهران: انتشارات آرایه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار، چ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا.

نصر، سید حسین، ۱۳۸۵، قلب اسلام، ترجمه: خرازی، تهران: نشر نی.

تقی پور، محمد؛ قانع، احمد علی، ۱۴۰۱، ظرفیت های فقه امامیه در پذیرش نهادهای جدید حقوق

خصوصی، با تأکید بر اعتباریات و عرف، مطالعات میان رشته ای تمدنی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.

شفیعی مازندرانی، سید محمد، ۱۳۸۹، فقه و حکومت، نشریه پژوهش های فقهی، شماره ۲.

ضیائی فر، سعید، ۱۳۸۲، جایگاه عقل در اجتهاد، ماهنامه نقد و نظر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
دوره ۸، شماره ۳۱-۳۲، صص ۴۲۷-۴۴۲.

هدایت نیا گنجی، فرج الله، ۱۳۹۷، ظرفیت‌های فقه امامیه و به‌روزرسانی فقه خانواده، دو فصلنامه مطالعات
فقهی حقوقی زن خانواده، دوره ۱، شماره ۹، صص ۲۹-۵۱.

آماده انتشار - در حال ویر استناری